

تبیینی از الهیات قرآنی با نگاهی بر ابداعات فلسفی، کلامی

محمد کاوه^۱

چکیده:

این مقاله به نقش قرآن در عرصه الهیات و علم در دو بخش به هم مرتبط تنظیم گردیده است. بخش اول آن مربوط به نوآوری ها در علم کلام اسلامی است. بخش دوم آن مربوط به نوآوری در فلسفه اسلامی می باشد. نوآوری در علم کلام خود نیز دارای دو زیر مجموعه است. نوآوری در خود اصل قرآن به عنوان یک کتاب آسمانی در کنار سایر کتب شرایع آسمانی دیگر مانند اوستا، تورات و انجیل، که حول شش موضوع میان کتاب های ذکر شده با قرآن مقایسه گردیده شده. در این قسمت بحث هایی مانند: معجزه قولی، جامعیت محتوا، نو ماندن و عدم کهنگی قرآن، انتساب به پیامبران، تاریخ تالیف، و نوع نزول آن بررسی گردیده است. در قسمت دیگر این بخش مباحث مربوط به محتوای قرآن طرح گردیده است. محتوای قرآن موجب نوآوری موضوعاتی در علم کلام شده است، که به برخی از موارد آن پرداخته شده و به صورت مقایسه ای همین موضوعات در سایر شرایع الهی اهل کتاب به صورت مختصر مطرح شده است. در بخش دوم به پنج موضوع مهم و اساسی در فلسفه (تأسیس فلسفه اسلامی، امکان معرفت و یقین، وحدت حق تعالی، برهان و وجوب امکان و تجربه به عنوان یکی از راههای کسب یقین) اشاره شده است. موضوعاتی که بعضا در حقیقت از موضوعات عام فلسفه است.

واژگان کلیدی:

نوآوری، نوماندن، اوستا، تنخ، انجیل، کلام، فلسفه.

امروزه از میان شرایع ابراهیمی، اسلام بیش از شرایع دیگر توسط کسانی که ادعای شریعت دارند، با حمایت مالی استکبار جهانی؛ بوسیله سخنرانی یا تهیه فیلم هایی مانند فتنه، جنگجویان مسلمان خدا و... نه تنها مورد هجمه قرار گرفته است، بلکه سعی می گردد که ترویج شرایع دیگر حتی با انجام امور خیریه و... بیشتر گردد. با صرف نظر از شناخت دلایل این عمل (مانند قدیمی، انقلابی بودن و...) که در جای خود نیکوست، اما کافی نیست و علاوه بر شناخت تعالیم اسلام، لازم است به ارزش و خدمتی که قرآن در مقایسه با شرایع دیگر در ابداع و نوآوری در عرصه علم کرده توجه شود. مراد ما از ابداع یا نوآوری عبارت است از هر گونه تغییر و تحول کمی و کیفی (اعم از تالیف جدید و ایجاد اثر نو) در ترک روشهای قدیمی و سنتی امور است. در نوآوری توجه به محیط و ایجاد زمینه های نو بسیار حائز اهمیت است به عنوان مثال نوآوری بدون توجه به عواملی از قبیل؛ اصالت بخشیدن به تفکر و اندیشیدن، امید به آینده بهتر و احساس توانستن بی حاصل و... صرفاً یک شعار تهی خواهد بود؛ رهگیری کدهای مذکور در قرآن بر شناخت جایگاه واقعی موثر است. نوآوری هر چند یک عمل ارزشمند است اما موضوع مهمتر از آن نومانند است. و از آنجا که نوآوری و شکوفایی دو موضوع همزاد هستند. بنابر این اگر بخواهیم شکوفایی استمرار یابد شایسته است به عواملی که باعث تبدیل موضوع نوآوری به موضوع نومانند می شود توجه بسیار جدی داشت. در این مقاله ما به مسأله نوآوری قرآن نسبت به سایر کتب شرایع آسمانی دیگر به عنوان یک کتاب جدید و هم چنین به تاثیر گذاری آن در خلق مباحث کلامی و فلسفی جدید می پردازیم.

۱- نوآوری در کلام:

از آن جا که علم کلام علمی است که موضوع آن ذات و صفات (صفات ذاتی و صفات فعل) خداوند است. یا علمی است که موضوع آن عقاید ایمانی است (ربانی گلیبانگانی، ۱۳۷۲، ص ۳۳-۲۷). بنابر این قرآن به عنوان فعل الهی یکی از مباحث علم کلام است. نوآوری در قرآن از جنبه های متعدد قابل بررسی است. قرآن در میان

کتاب های شرایع ادیان ابراهیمی و ویژگیهای منحصر بفردی دارد که در سایر کتب آسمانی نیست. ما در اینجا این مساله را در سه شریعت (زردشت، یهود و مسیحیت) دنبال می کنیم.

قبل از شروع بحث تذکر یک نکته ضروری می باشد؛ در کلام شیعی صف آرای و تفکیک دقیق بین مسائل کلامی و فلسفی ممکن نیست. زیرا "فلسفه و کلام مسائل مشترک زیادی دارند" (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۰). البته یکی از معیارهای تمایز علوم به تمایز موضوعات آنها بر می گردد، اما اشتراک مسائل کلام و فلسفه از نوع وحدت ذاتی نیست بلکه وحدت آنها وحدت اعتباری است. (همان، ص ۲۳). به نظر می رسد علت این آمیختگی به دو دلیل بر می گردد. اولاً: بخاطر اقتباس از احادیث معصومین باشد. "احادیث شیعه بر خلاف احادیث اهل تسنن، مشتمل بر یک سلسله احادیثی که در آنها مسائل عمیق ماوراء الطبیعی یا اجتماعی به شیوه منطقی مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است" (همان، ص ۶۲ و گلپایگانی، ۱۳۷۲، ص ۱۹۹) و ثانیاً: توجه فلاسفه اسلامی به اهداف علم کلام می باشد، استاد شهید مطهری می نویسد حدیث شیعه و فلسفه شیعه هر دو وظیفه علم کلام را بهتر از خود علم کلام انجام داده اند. (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۵). با توجه به نکته گفته شده بنابر این ممکن است برخی از موضوعات در هر دو قابل بررسی و یا بررسی شده باشد. که پیشا پیش وجه آن بیان گردیده است.

الف) خود قرآن

قرآن مجید به عنوان یک کتاب از دو جنبه قابل تأمل و بررسی است. یکی در مورد محتوای قرآن و ویژگی متن آن، و دیگری در مورد مشخصات ظاهری آن است. در این جا به هر دو جنبه ی آن اشاره می گردد.

۱- معجزه قولی؛ از میان کتاب های شرایع مذکور در این مقاله فقط قرآن است این ویژگی را دارد. زیرا معجزه پیامبران آنان از سنخ فعلی بود و در هیچ کدامیک از کتب آنان، کتاب معجزه قولی نبوده و تحدی به آن صورت نگرفته است. تنها قرآن به عنوان معجزه قولی است. گزینش کلمات خارق العاده است. هر واژه در عبارات قرآن از چنان

جایگاهی بر خوددار است که نمی توان آن را با واژه دیگر جایگزین ساخت . بهترین دلیل بر این مدعی؛ عدم امکان رویارویی با آن نه تنها در عصری که انسانها در اوج فصاحت و بلاغت بودند؛ بلکه تا ابدیت است. آنها از این نوع اعجاز قرآن شیفته وی گشته و برخی از بزرگانشان مانند ابوسفیان بن حرب، ابو جهل بن هشام و اخنس بن شریق مخفیانه به قرائت پیامبر اسلام گوش می دادند، اما جاه طلبی اجازه تسلیم شدن به آنان نمی داد. (سبحانی، ۱۴۲۷، ق، ص ۲۹۱). شهید هاشمی نژاد می نویسد: این که معجزات شرایع آسمانی متنوع است بخاطر طبقه ی ممتاز جامعه در هر عصر هست. طبقه ممتاز بعلت دارا بودن قسمتی از علوم و یا آشنایی با صنعتی خاص افکار دیگران را بسوی خود جلب نموده اند و چشم مردم به آنهاست در اینجا آن پیامبر باید از توجه افکار عمومی نسبت به آن طبقه ممتاز استفاده نماید و همانجا افکار آنان را در بست در اختیار بگیرد (ص ۱۵).

اعجاز قولی قرآن کریم، خود باعث موضوع دیگری به نام عدم تحریف قرآن مجید گشته است؛ ("انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحاظون" حجر/۹). به گونه ای که امروزه با توجه به دلایل جداگانه؛ عقلی؛ روایی و شواهد تاریخی؛ تحریف لفظی (نه به معنای ترتیب نزول آیات و سوره ها در نگارش و قرائت بلکه به معنای اضافه کردن یک جمله ی مستقل مشخص و ساخته فکر بشر به آیات الهی؛ یا کاستن از آن) این کتاب آسمانی مردود شناخته می شود.

۲- جامعیت محتوا؛ انسان برای رسیدن به سعادت نیازمند تزکیه نفس، تعلیم شریعت و آموزش حکمت است. این کتاب آسمانی برای راهنمایی انسان به کمال سعادت (معنوی و مادی)؛ جامع تمام علوم و معارف است چه علمی که بشر تاکنون به آن دست یافته است و چه علمی که هنوز در دسترس بشر قرار نگرفته است. قرآن علاوه بر جامعیت، مبین نیز است. و این دورا با عبارات: "تبیان کل شیء"، "تفصیل کل شیء و مفصل بودن"، بیان داشته است.

"و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء و هدی و رحمه و بشری للمسلمین". نحل / ۸۹
مراد از "لکل شیء" همه آن چیزهایی است که برگشتش به هدایت است از قبیل

معارف حقیقی مربوط به مبدأ، معاد، اخلاق فاضله و شرایع الهی و قصص و مواعظی که مردم در اهتداء و راه یافتنشان به آن محتاجند. (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ص ۱۲، ص ۴۶۹).

"ما کان حدیثا یفتی ولکن تصدیق الذی بین یدیہ و تفصیل کل شیء و ہدی و رحمہ لقوم یؤمنون". یوسف/ ۱۱۱
"هو الذی انزل الیکم الکتاب مفصلا و الذین آتیناہم الکتاب یعلمون انه منزل من ربک بالحق فلا تکنونن من الممترین". انعام / ۱۱۴

در خصوص جامعیت قرآن مرحوم علامه طباطبایی (ر) نوشتند: "علمی که قرآن مجید بتعلیم آنها دعوت کرده است. قرآن مجید در آیات بسیاری بتفکر در آیات آسمان و ستارگان درخشان و اختلاف عجیبی که در اوضاع آنها پدیدمی آید و نظام متقنی که بر آنها حکومت می کند دعوت می کند. بتفکر در آفرینش زمین و دریاها و کوهها و بیابانها و آنچه از عجایب در شکم زمین قرار گرفته و اختلافات شب و روز و تبدلات فصول و... بدین ترتیب بتعلیم علوم طبیعی و ریاضی و فلسفی و متون ادبی و بالاخره همه ی علمی که بشر در دسترس فکر انسانی است و تعلم آنها برفع جهان بشری و سعادت بخش جامعه انسانی می باشد دعوت می کند" (طباطبایی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۷).

به عنوان مثال در بخش دانشی در مورد نگهداری آسمان ها از سقوط روی زمین سخن می گوید ("ان الله یمسک السموات و الارض ان تزولا" فاطر / ۴۱ و "و یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه " حج / ۶۵) در حالی که سازمان فضانوری امریکا "ناسا" اعلام کرد در کهکشانش چهار صد میلیارد ستاره وجود دارد. ستارگان کوچک وقتی می میرند یک فنجان از سوخته آنها ۱۰۰۰ تن وزن دارد و ستارگان بزرگ وقتی می میرند یک فنجان از سوخته آنها ۱۰۰۰۰۰۰۰ تن وزن دارد، (روزنامه همشهری، بیست و دوم اردیبهشت سال ۱۳۸۶ ش).

امروزه فهم این مساله با توجه به فرمول چگالی ("رو" مساوی است با "ام"، بخش بر "وی") و محاسبه وزن آنها قبل از سوختن و در مجموع وزن آنها در آسمان و این که چه

نیروی عظیمی آن را نگه داشته که روی زمین نیفتند؛ بهتر فهمیده می شود.

۳- نو ماندن وعدم کهنگی ؛ یک سخن نو در جای خودش مهم است، اما تکرار آن

باعث از بین رفتن جلوه و جذبه ی آن می گردد هر چند این سخن نو در زیبایی سرآمد و در شیوایی نمونه باشد. قرآن از ابتدای نزولش توسط حافظان و کاتبان نوشته و تکرار شده است اما گزارشی از ملال آور بودن آن بعد از گذشت ۱۵ قرن شنیده نشده است. از امام صادق (ع) پرسیدند چرا این قرآن با همه ی گسترش و آموختن کنه و ملال آور نمی شود ؟ " ما بالقران لا یزداد علی النثر و الدرس الا غضاضا " امام فرمودند ان الله تبارک و تعالی لم یجعلہ لزمان دون زمان و لناس دون ناس ،فهو فی کل زمان جدید و عند کل قوم غض الی یوم القیامه یعنی زیرا این کتاب برای زمانی معین یا برای مردمی خاص نازل نشده است . بلکه برای همه ی زمان ها و کلیه اقوام فرستاده شده است . لذا تا قیامت پیوسته تازگی خود را حفظ می کند . (مجلسی، نرم افزار نور، ج / ۱۷ ، ص ۲۱۳).

۴- درانتساب به پیامبران ؛ " اوستا " به عنوان یکی از کتاب های مرجع زردشتیان که

مشمول بر ۵ بخش ؛ یسنا ، ویسپرد ، وندیداد، یشتها و خرده اوستا است فقط بخشی از یسنا که گات (سرود) نامیده می شود مربوط به حضرت زردشت می باشد . و بقیه بخش ها به دوران بعد از زردشت بوده که توسط موبدان با حسن نیت در فهم گاتها نوشته شده است. هم چنین در تنخ کتاب یهودیان که مشتمل بر ۳۹ کتاب و شامل سه بخش تاریخ، مناجات و پیشگویی است . فقط ۵ کتاب از بخش تاریخ توسط حضرت موسی نوشته شده است ؛ و در مسیحیت هیچ کدام از اناجیل منسوب به حضرت عیسی (ع) نیست . به عبارت دیگر در تمام چهار انجیل یک سطر عبارت منسوب به وحی وجود ندارد ، سخنان حکمت آمیز منقول در اناجیل نیز به شخص حضرت عیسی منسوب گشته است در واقع سخنان آن حضرت است. (توفیقی، ۱۳۸۴ ، ص ۲۳۱).

اما قرآن این نوآوری را دارد که تمام آیات آن بر شخص پیامبر اسلام نازل شده است و ایشان برای محفوظ نگاه داشتن آن با توجه به این که در زمان ظهور اسلام تعداد کسانی که سواد خواندن داشتند کم و کمتر از آن تعداد کسانی که سواد نوشتن داشتند

Archive of SID
بسیار معدود بود اما پیامبر اسلام در چنین جوی ضمن بیان ثواب حفظ قرآن، به مسلمین دستور حفظ قرآن را دادند، اما از آنجا که این شیوه نمی توانست دقیق و برای نسل های بعد باقی بماند لذا پیامبر اسلام همزمان با دریافت وحی علاوه بر حفظ، کاتبانی را برای این منظور در نظر گرفته بودند که آیات نازل شده را می نوشتند.

۵- تاریخ تالیف؛

الف) در مورد "اوستا" (به معنای اساس و بنیاد) به علت این که تاریخ دقیقی برای ظهور حضرت زردشت (شش هزار؛ ششصد سال قبل از میلاد) وجود ندارد. و قدیمی ترین نسخه اوستا مربوط به ۱۳۲۵ میلادی است، که در شهر دانمارک نگهداری می شود (پورداد، ص ۴۹). لذا در مورد گات ها نمی توان اطلاع دقیق پیدا کرد تا چه برسد به این که معلوم گردد توسط چه کسی و در چه زمانی نوشته شده است. علامه طباطبایی (ر) می نویسند:، کتاب مقدسشان "اوستا" نام دارد. چیزی که هست تاریخ حیات زرتشت و زمان ظهور او بسیار مبهم است، به طوری که می توان گفت به کلی منقطع است. این قوم کتاب مقدس خود را در داستان استیلای اسکندر بر ایران به کلی از دست دادند، و حتی یک نسخه از آن نماند، تا آنکه در زمان ملوک ساسانی مجدداً به رشته تحریر در آمد، و به همین جهت ممکن نیست بر واقعیت مذهب ایشان وقوف یافت. (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۷۴ ج/ ۱۴ ص ۵۰۵)

ب) موسی (ع) سه ماه بعد از خروج بنی اسرائیل از مصر در کوه طور به میقات خدا رفت و بعد از آن در شش روز از ماه رمضان گذشته دو لوح سنگی که مشتمل بر ده فرمان بود برای امت خود آورد (اعراف/ ۱۴۵) ده فرمان در کتاب آن حضرت بنام تورات (به معنای قانون و شریعت) که مشتمل بر ۵ سفر است (سفر پیدایش، خروج، اعداد، لاویان و تثیبه) در باب ۲۱ تا ۲۵ سفر خروج آورده شده است. البته پنج سفر کنونی تورات در نزد محققین مربوط ۲۵۰۰۰ سال پیش از چهار منبع ترکیب و تالیف یافته است (۳).

ج) در مورد اناجیل (به معنای مژده) مشهور، بنابر اعتراف مسیحیان بعد از عروج عیسی (ع) حداقل ۷۰ سال و حداکثر ۱۰۰ بعد از میلاد توسط چهار نفر که از میان آنها فقط دو نفر از انجیلدان مسیح (ع) بودند، نوشته شده است. در یک تقسیم بندی اناجیل نسبت به

محتوای آن؛ یعنی متی و یوحنا مقابل هم قرار می گیرند.

Archive of SID
د) مشارکت مردم در تالیف "قرآن"؛ قرآنی که به عنوان دلیل و بینه بر نبوت پیامبر اکرام است؛ مشارکت مردم در تدوین آن با توجه به فقر شدید بی سوادی که در محیط و زمان ظهور پیامبر اسلام وجود داشت، واقعا یک حرکت جدید و نوی بود که انجام گرفت و قطعا مصالحتی را در بر داشته که ممکن است برخی از آنها در دسترس بشر قرار گیرد به عنوان مثال ایجاد انگیزه برای آموختن سواد در کنار آموزه های دعوت به علم آموزی، زمینه آزاد سازی اسراء، سفرهای علمی و حتی تاسیس علوم جدید توسط مسلمانان و..... علامه طباطبایی (ر) می نویسد: "در میان مسلمانان علمی نیز هست که موضوع بحث آنها خود قرآن مجید می باشد. تاریخ پیدایش این علوم نخستین روزهای نزول است و به تدریج مسائل آنها در میان مردم نضج یافته، مانند فنون تجوید و قرائت، عدد سوره و آیات، رسم خط خاص قرآن، معانی الفاظ قرآن، آیات احکام و تفسیر" (طباطبایی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۹-۱۰۸).

۶- نوع نزول؛ نزول تدریجی قرآن در طی ۲۳ سال طول کشید. "و قرءانا فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلا" اسراء/ ۱۰۶ یا "کتاب احکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم" هود / ۱. اما در مورد نزول دفعی قرآن؛ از ظواهر بعضی آیات مانند "شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن" بقره / ۱۸۵؛ "انا انزلناه فی لیلہ القدر قدر" / ۱ و "انا انزلناه فی لیلہ مبارکه" دخان/ ۳ و هم چنین دلالت برخی روایات این نوع نزول را می رساند. در صورتی قرآن در مورد تورات و انجیل همواره از کلمه انزال استفاده شده است و کلمه تنزیل در باره آنها به کار نرفته است جز در یک مورد (آل عمران / ۹۳) که آن هم مربوط به قبل از نزول تورات است). (جعفری، ۱۳۷۵، ص ۸۵)

سیوطی می نویسد: یکی از فضایل عصر را دیدم که گفت قول صحیح این است که آن کتابها نیز - همانند قرآن- به طور پراکنده نازل شده اند، و من می گویم قول اول (یعنی فقط قرآن) درست است و از دلایل آن آیه "و قال الذین کفروا لولا نزل علیه القرآن جمله واحده" (فرقان / ۳۲) است (جلال الدین عبد الرحمن سیوطی، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۱۵۹).

سکوت خداوند در این آیه از رد ادعای کافران دلیل بر صحت آن ادعا است. سیوطی علاوه بر دلیل فوق به روایت سعید بن جبیر از ابن عباس استناد می‌کند که گفت: یهود گفتند: یا ابالقاسم چرا این قرآن - همانطور که تورات بر موسی (ع) نازل گشت - یکجا نازل نشد؟ سپس این آیه (فرقان/۳۲) در پاسخ به آنان نازل گردید (همان، ص ۱۵۹).

علاوه بر این تفاوت، کیفیت نزول موجب تفاوت های دیگر قرآن با سایر کتب آسمانی گردیده است. این تفاوت ها عبارتند از: الف) روند تکاملی احکام؛ احکام اسلام به تدریجی نازل گشت به گونه ای که آخرین سوره ای که بر پیامبر اسلام نازل شد، سوره مائده، حکم اکمال دین و اتمام نعمت الهی بود (مائده/۳). ب) نحوه ی آموزش، تعلیم و تعلم مؤمنان و کیفیت تاثیر گذاری آموزش بر مردم؛ بخصوص با توجه به مشکل بی سوادی مردم منطقه نزول قرآن، نزول تدریجی بهتر از روش دفعی نتیجه بخش خواهد بود. ج) پاسخ به سوالات و اعتراضاتی و شبهاتی که در طول زمان بعثت، برای تحقیق یا مقابله با آن صورت می گرفت؛ این نوع نزول کار آمد و به روز خواهد بود. به عنوان مثال ماجرای مسیحیان نجران که آمدند و در مسجد پیامبر نماز خواندن سپس از پیامبر اسلام (ص) در مورد نام پدر موسی (ع) و پدر خودش پرسیدند. پیامبر اسلام (ص) جواب دادند. سپس نمایندگان نجران نام پدر عیسی (ع) را سوال کردند. آن موقع آیه ۵۹ از سوره آل عمران نازل شد و پاسخی منطقی به سوال آنان گشت. هم چنین داستان مباحله (آل عمران/۶۱) و ازدواج پیامبر اکرم با همسر زید بن حارثه (نساء/۲۳)، سوال یهود و قریش از پیامبر اسلام در مورد "روح" (اسراء/۸۵). د) تثبیت قلب پیامبر و مؤمنان؛ اگر در هر چادته ای از سوی خداوند به پیامبرش و مؤمنان پیام جدیدی ارسال شود از نظر روحی و روانی دل آنان در مقابله مشکلات قویتر و احساس شورمندی بیشتری می کنند (فرقان/۳۲). این موضوع از نظر قرآن مهم و حتی یکی از فلسفه های نقل داستان اقوام گذشته راهمین موضوع و موعظه ای برای مومنان اعلام می دارد

و کلا نقص علیک من انباء الرسل ما نثبت به فؤادک و جاءک فی هذه الحق و

موعظه و ذکرى للمؤمنین (هود/۱۲۰).

ب) نوآوری های قرآن در علم کلام؛

علامه طباطبایی (ر) تحت عنوان علمی که قرآن در پیدایش آنها عامل بود، می نویسد: از اوائل قرن دوم بسبب بر داشته شدن قدغن (قدغن از طرف خلافت به منظور جلو گیری از تالیف حدیث شد) مردم اول بنوشتن حدیث پس از آن بنوشتن بحث های مربوط به علوم دیگر و بقالب زدن تالیف و تصنیف علوم را مرتب و منظم نمودند و بدین ترتیب فن حدیث و علم رجال و درایه، فن اصول فقه و علم فقه و علم کلام بوجود آمد (طباطبایی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۰).

نوآوری هایی که قرآن در این قسمت داشته زیاد است و ما در این جا به برخی از عمده آنها اشاره می کنیم

۱- **ب) توحید در ذات؛** در تعالیم دینی ادیان الهی این عقیده که خدای متعال واحد است، امری بی چون و چرا تلقی می گردد، اما آنچه در قرآن به عنوان یک اصل مطرح می گردد این است که خدا علاوه بر واحد بودن، احد نیز هست. قرآن در مورد هر دو می فرماید "قل هو الله احد، ولم یکن له کفوا احد". متکلمان اسلامی دلیلشان برای توحید درون ذات الهی همان دلیلی است که برای توحید برون ذات آورده اند. یعنی نفی ترکیب به هر نحو ممکن از خداوند تا منجر به نیازمندی برای او نشود.

۲- **ب) توحید افعالی و امر بین الامرین؛** یکی از بحث های مهم کلامی، بحث کیفیت صدور افعال انسانهاست. این بحث از نظر زمانی زمان معینی ندارد و می توان ادعا کرد که از ابتدا با تاریخ تفکر بشر همراه بوده است. انسان در نگاه ظاهری و سطحی به عالم هستی، جهان را صحنه وقوع افعال متنوع از فاعل های متفاوت می بیند. و این نگاه بدوی با توحید خالق خدایند سازگار نیست. و از طرفی استناد آنها با عدل الهی پروردگارش صحیح نمی داند. از این رو عده ای از حکما و متکلمان جبر و در مقابل عده ای تفویض را برگزیدند. در قرآن به این موضوع پرداخته شده است. ظاهر برخی آیات فعل واحد را در عین حالی که از فاعل طبیعی نفی و به خداوند اسناد می دهد؛ به فاعل طبیعی نیز اسناد می دهد. مانند "و ما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمی" انفال/ ۱۷ یا "الله یتوفی الانفس حین

موتها" زمر / ۴۲ و "حتی اذا جاء احدكم الموت توفته رسلنا" انعام / ۶۱. امام صادق (ع) برای تبیین نا سازگاری ظاهری فرمودند: لا جبر و لا تفویض و لکن امر بین الامرین (سبحانی، ۱۴۲۷ ق، ص ۲۱۵). یعنی نه جبر محض است و نه تفویض و رهایی محض است. بلکه بین ایندوست. به بیان دیگر یک فعل واحد دارای دو نسبت واقعی است. این دو نسبت با همدیگر تراحمی پیدا نمی کنند. از این جهت که فعل توسط انسان و با انتخاب و گزینش وی صورت گرفته است، و از این جهت که تحقق فعل منوط به حیات داشتن شخص و دارا بودن قدرت اوست و این دو موضوع عطیه الهی است. لذا اسناد فعل به هر دو صحیح می باشد.

۳- (ب) صفات کمالیه خداوند؛ مراد از صفات کمالیه صفاتی است که اشاره به کمالی در ذات حق تعالی دارد. صفاتی از قبیل صدق، عدل، علم، قدرت، کمال خواهی و..... می شود. در قرآن برخی از آیات خداوند را به طور کلی این چنین توصیف می کند "تبارک اسم ربک ذی الجلال و الاکرام" الرحمن / ۷۸، و برخی دیگر هر کدام از صفات را با نام آن برای خداوند قائل است. و این یک نوآوری نسبت به تورات و انجیل است که در آن خداوند با این صفات نه تنها نام برده نمی شود بلکه بر عکس، ضد این صفات به او نسبت داده می شود. در این جا به نمونه هایی اشاره می گردد.

۱- دروغ خدا به آدم در مورد شجره ممنوعه مبنی بر مردن، تورات سفر پیدایش، باب ۳ فقره ۵-۳.

۲- عدم عدالت خدا، یک گناه ادم موجب شد که عده بسیاری محکوم به مرگ گردند انجیل، کتاب رومیان، باب ۵ فقره ۱۶.

۳- عدم علم، تورات سفر پیدایش باب ۳ فقره ۸؛ گنجینه ای از تلمود، کتاب وحی، ص ۱۴۱

۴- عدم قدرت، سفر پیدایش باب ۳۲ فقره ۳۰-۲۶.

۵- خوار و ذلت خواهی خدا، اولین پیامی که خداوند به هوشع داد این بود برو با زنی فاحشه ازدواج کن تا آن زن از مردان دیگر بچه هایی برای تو بزاید، علاوه بر آن

دستور به پیوند مجدد با را می دهد. این امر به روشنی نشان خواهد داد که چگونه قوم من بی وفایی کرده اند و با پدستش خدایان دیگر آشکارا مرتکب زنا شده و به من خیانت ورزیده اند ؛ تنخ ، کتاب هوشع ، باب ۱ فقره ۳-۲ ، و باب ۳ فقره ۳-۱ .

۴-ب) عصمت انبیاء؛ به معنای این که انبیاء (ع) با داشتن این ملکه در همان حال که قدرت بر معصیت و طاعت دارند اما داعی بر ترک طاعت و یا ارتکاب معاصی ندارند . این ویژگی که تمام انبیاء الهی دارا چنین شانی باشند، ضروری است. عصمت اقسامی دارد که به عصمت در دریافت ، ابلاغ وحی و عصمت از اشتباه و سهو تقسیم می گردد. در قرآن مجید برای تمام اقسام آن آیاتی که دال بر عصمت انبیاء دارد ، وجود دارد به عنوان مثال برای دریافت وحی قرآن می فرماید "وبالحق انزلناه و بالحق نزل" (اسراء / ۱۰۵) یعنی ما قرآن را بحق نازل کردیم و بحق نازل شد؛ و برای ابلاغ وحی "قال علمها عند ربی فی کتاب لا یضل ربی ولا ینسی" (طه/ ۵۲) و بالاخره عصمت از اشتباه و سهو "وما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله" نساء/ ۶۳ یا "ومن یطع الله ورسوله فاولئک مع الذین انعم الله علیهم" نساء / ۲ .

در حالی در کتاب یهودیان و مسیحیان - مسیحیان تنها برای عیسی قائل به عصمت هستند، انجیل متی باب ۴ فقره ۱۱-۱ - نه تنها برای انبیاء عصمت قائل نیستند بلکه به آنها کارهای زشت و ناپسند و حتی بت پرستی را نسبت می دهند . در اینجا به عنوان نمونه برخی از آنها را ذکر می نمایم.

- ۱- گناه حضرت آدم ، انجیل ، کتاب رومیان باب ۵ فقره ۱۲ .
- ۲- زنا کردن حضرت لوط با دخترانش ، تورات ، سفر پیدایش ، باب ۱۹ ، فقره ۳۸-۳۰ .
- ۳- گوساله سازی و پرستش آن به حضرت هارون ، تورات ، سفر خروج ، باب ۳۲ ، فقره ۳-۶ .

- ۴- زنا کردن حضرت داود ، تنخ (تورات) ، کتاب دوم سموئیل ، باب ۱۱ ، فقره ۵-۴ .
- ۵- بت پرستی حضرت سلیمان ، تنخ (تورات) ، کتاب اول پادشاهان ، باب ۱۱ ، فقره ۵-۳ .
- ۷- بت پرستی حضرت بیلعام ، گنجینه ای از تلمود ، کتاب وحی ، ص ۱۴۱ .

۵- (ب) اصل معاد و کیفیت آن (جسمانی و روحانی):

مسئله حیات اخروی و کیفیت آن، در کتب منسوب به شرایع مذکور مورد اختلاف است. زردشتیان معتقد به معاد هستند و زمان آن را مصادف با ظهور سوشیانس می دانند با ظهور وی مرده ها زنده می شوند و ظاهراً نوع معاد نزد آنان روحانی و جسمانی است. ولی در مورد کیفیت معاد سخنی به میان نیامده و توصیف فیزیکی نگردیده است؛ زیرا به گفته موبد آقای سروش پور (روحانی زردشتیان): اینچنین دیدگاهی با اصل پیام آشوزرتشت که آموزش و آگاهندن اندیشه هاست مغایر بوده است. در تورات سخنی از معاد نیامده است و لذا صدوقیان به عنوان یک فرقه یهودی از صفحه روزگار حذف شدند بدون این که اعتقاد به آن داشته در مسیحیت در مورد اصل معاد و جسمانی بودن آن در متی باب ۱۱ فقره ۲۴ سخن آمده است. اما قرآن علاوه بر اصل جسمانی و روحانی بودن آن، کیفیت معاد را نیز توصیف کرده است.

هم چنین این مسأله میان متکلمان و حکماء مورد اختلاف است. همان طوری که در مورد ماهیت انسان در انسان شناسی این ختلاف وجود دارد. فخر رازی در مورد معاد و کیفیت آن به ۵ دیدگاه اساسی اشاره کرده است. ۱- حکمای طبیعی که منکر معاد ند ۲- تردید در وقوع یا عدم وقوع آن؛ که به جالینوس منسوب است. ۳- معاد جسمانی محض، قول بیشتر متکلمان ۴- معاد روحانی محض، قول گروهی از فیلسوفان ۵- معاد جسمانی و روحانی. (سعیدی مهر، ۱۳۸۱، ج ۲/ ص ۵۳). در قرآن هر دو نوع معاد؛ معاد جسمانی "قال من یحی العظام و هی رمیم قل یحییها الذی انشأها اول مره و هو بکل خلق علیم" یس/ ۷۹-۷۷ و معاد روحانی بوسیله آیاتی که اشاره به آلام و لذات عقلی دارند؛ بدست می آید. کذلک یربهم الله اعمالهم حسرات علیهم" بقره/ ۱۶۷ یا "وانذرهم یوم الحسره مریم/ ۳۹.

۲- نوآوری در فلسفه؛

۱- ۲ تأسیس فلسفه اسلامی

فلسفه یونان که به دستور امپراطور ژوستین نین" در سال ۵۲۹ میلادی به تعطیلی کشید

و مدارس آتن و اسکندریه بسته شده بود (فردریک کاپلستون، ترجمه مجتبوی، ۱۳۶۸ ج، ۱/ص ۵۵۳)؛ مقارن با ظهور اسلام، و وجود آیاتی مبنی بر دعوت به حکمت و هم چنین شروع نهضت ترجمه، فلسفه یونانی نه تنها احیاء گردید، بلکه با وجود افرادی مانند فارابی و ابن سینا... در پرتو انوار قرآن مجید، فلسفه‌ی قرون وسطی متأثر و غنی گردید (داوری اردکانی، ص ۱۵۸)؛ و نظام فلسفی جدیدی بنام فلسفه اسلامی نضج گرفت. به گونه ای که امروزه در فلسفه‌ی تطبیقی (تطبیق معمولاً میان دو فلسفه ای که از حیث مبادی متفاوتند صورت می گیرد) کنار فلسفه یونان، فلسفه اسلامی با ویژگی های خاص و منحصر بفرد خود در آثاری نظیر ابن سینا، سهروردی و صدر المتالیهین جلوه نمایی می کند.

۲-۲) شناخت و امکان یقین؛

قبل از ظهور اسلام در میان فیلسوفان عده‌ای قائل به شک و عده ای دیگر قائل به جزم و یقین برای انسان بودند. کسانی که قائل به شک بودند معتقد بودند هیچ راهی برای شناخت واقعی، یقینی وجود ندارد. با ظهور اسلام و آمدن قرآن جبهه جزم گرایان تقویت گردید. "قرآن نمی خواهد راه را بروی انسان ببندد، بلکه می خواهد راه یقین را از بیراهه برای انسان مشخص کند. بی تردید قرآن کریم یقین را در استعداد بشر دانسته و وصول به آن را ممکن می داند" (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۵۰). در مورد امکان یقین اولاً: قرآن راجع به حضرت آدم (ع) می گوید که ما به او "حقایق" را به عنوان اسماء الهی یاد دادیم، "و علم آدم الاسماء کلها ثم عرضهم علی الملائکه" بقره/۳۱.

ثانیاً: با توجه به این که هیچ چیزی در عالم نیست که از حوزه اسماء الهی خارج باشد؛ بنابراین معنای آیه مذکور این است که حضرت آدم نسخه جامعی از کشف حقایق اشیاء شد (همان، ص ۵۱). از آنجا که حضرت آدم تنها خلیفه خدا نیست بنابراین کشف حقایق و ویژگی اختصاصی وی محسوب نمی شود. و انسان این توانایی را دارد که خدای خود را بشناسد. شناخت توحید در قرآن لازمه اش این است که شناخت پرتویی از "علم واجب تعالی" و "شؤن علم باری تعالی" برای بشر ممکن باشد. و لذا مبانی معرفتی مباحثی

مورد اشکال جدی است و این فرضیه پردازی ها در حوزه علم دینی از آن جهت که با جهان بینی کلی و با اصول کلی آن سازگار نیست، غلط می باشد. *Archive of SID*

۲-۳) روش تحقیق؛

برای کشف مجهولات با استفاده از معلومات سه صورت (قیاس، استقراء و تمثیل) وجود دارد. با توجه به نتایج راههای ذکر شده، اکنون سوالی مطرح می شود منطقیین می گویند نتیجه استقراء ناقص مفید یقین نیست، آیا استقراء همان تجربه نیست؟ استاد مطهری می نویسد: اشتباه بزرگی که در کلمات فلاسفه غربی امروز هست تفکیک نکردن میان "روش استقرایی" و "روش تجربی" است. آنها با منطق خود ما آشنایی دارند می دانند که در منطق ما "استقراء" در مقابل "قیاس" قرار داده می شود. استقراء از نظر نتیجه دادن کلی، جزء ظنیات است، صلاحیت ندارد که ماده برهان قرار گیرد و در برهین از آن استفاده نمی شود، ولی تجربه را امر یقینی می دانند و جز شش چیزی (اولیات، مشاهدات، تجربیات، متواترات، حدسیات و فطریات) می شناسند که می توانند از ماده برهان باشند. (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۸۹). در قرآن مجید آیات بسیاری وجود دارد که ما را به مشاهده و یا سیر در طبیعت دعوت می کند، به این گونه آیات اصطلاحاً آیات افاقی گفته می شود. "قل انظروا ماذا فی السماوات و الارض" بقره/۱۶۴ و "سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق" یونس/۱۰۱. انسان با مشاهده مکرر آنها با تشکیل دو قیاس خفی (استثنائی و اقترانی) یا با تکیه بر دو اصل فلسفی (دائمی بودن و حکم الامثال) در مورد علت پدیده ها به حکم قطعی می رسد. و این نحوه ی روش تحقیق که قرآن در مسائل مهمی از جمله راههای اثبات مبدأ به آن اشاره دارد، حداقل از روشهای تأییدی قرآن و در مقایسه با کتب شرایع دیگر، نوآوری است و از نظر فلسفه اسلامی با نتیجه استقراء ناقص کاملاً متفاوت می باشد.

۲-۴) وحدت حق تعالی

در قرآن، سنت، ادعیه، سخنان و احتجاجات پیشوایان وقتی سخن از خداوند مطرح www.SID.ir

می شود ما با مسائلی از قبیل خدا مثل ندارد، واحدیت، احدیت، اسماء حسنی داشتن خدا، حضور همه جایی، بی مکانی، بی زمانی، اله آسمان و زمین بودن، علم بودن، علم ناپا محدود، قدرت نامحدود و..... آشنا می شویم اما درک دقیق و عمیق آنها به راحتی برای همه ی انسانها ممکن نیست. از طرف دیگر قرآن ما را به سبک های حکمت، موعظه و جدال احسن دعوت می کند. همین مسائل باعث گردید که عده ای برای درک و تبیین آنها از طریق عقلی برانگیخته شوند. مرحوم علامه طباطبایی در خصوص مضامین بلند الفاظ فوق می نویسند: این بیانات در فلسفه الهی، یک رشته مطالب و مسائلی را حل می کند که علاوه بر اینکه در میان مسلمین مطرح نشده بوده و در میان اعراب مفهوم نبوده اساسا در میان کلمات فلاسفه قبل از اسلام، که کتبشان به عربی نقل شده عنوانی ندارد و در آثار حکمای اسلام که از عرب و عجم پیدا شده، و آثاری از خود گذاشته اند، یافت نمی شود. این مسائل همان طور در حاله ابهام ماند و هر یک از اشراح و باحثین به حسب گمان خود تفسیری می کردند، تا تدریجا راه آنها تا حدی روشن و در قرن یازده هجری حل شده و مفهوم گردیده. مانند مساله وحدت حقه در واجب و مساله اینکه ثبوت وجود واجبی، همان ثبوت وحدت اوست، و مساله اینکه واجب معلوم بالذات است..... این مباحث اگر چه مربوط به یک رشته مسائل خصوصی می باشد، ولی چنان که از تعمق و تدبر در اطراف بیانات روشن است، پایه ی عمومی آنها روی ابناحاث عامه فلسفه ی عالیه گذاشته شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۱، ص ۱۲۷).

در مورد وحدت خداوند و این که چرا وحدت آن وحدت عددی نیست و او با یکی بودن عددی توصیف نمی شود - زیرا ملازم با محدودیت است - علی (ع) می فرماید: مَنْ وَصَفَهُ فَقَدْ حَدَّهُ، وَمَنْ حَدَّهُ فَقَدْ عَدَّهُ، وَمَنْ عَدَّهُ فَقَدْ أَبْطَلَ أَرْزَلَهُ، (ترجمه دشتی، ۱۳۸۴، خطبه ۱۵۲، ص ۱۹۸). یعنی: آنکه خدا را وصف کرد، محدودش نمود و آنکه محدودش کند، او را به شمار آورده، و آنکه خدا را به شمار آورد، از لیت او را باطل کرده است.

لذا " این مساله از اندیشه های بکر و بسیار عالی اسلامی است که در هیچ مکتبی سابقه ندارد، و خود فلاسفه اسلامی تدریجا بر اثر تدبر در متون اصیل اسلامی به خصوص

کلمات علی (ع) به عمق این اندیشه پی بردند" (اکبریان، ۱۳۸۶، ص ۷۳۵).

Archive of SID

۲-۵) برهان وجوب وامکان

این برهان برای اولین بار در محیط فلسفه اسلامی برای اثبات وجود خداوند توسط ابن سینا تحت تاثیر برخی از آیات قرآن مجید مانند "ام خلقوا من غیر شی ام هم الخالقون" (طور/۳۵) به صورت یک برهان شکل خاص خود را گرفت و بعد بوسیله آرای ابن رشد وارد عالم مسیحیت بویژه آثار توماس آکویناس (برهان سوم) و لایب نیتس (اصل جهت کافی) به عنوان یک اصل وجود شناختی طرح گردید. البته ذکر این نکته ضروری است که تقریر این برهان در منظر فلاسفه شرق مستقل از اصل علیت نیست و لذا فخرالدین رازی بر این مطلب تاکید دارد که بدون استفاده اصل علیت این برهان صورت نمی گیرد. (محسن جوادی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۵) ولی در غرب جدای از اصل علیت و اصل علیت یکی از مقدمات تقریر استدال است. از همین رو توماس برهان دوم خود را برای اثبات وجود خداوند برهان علیت می نامد.

این برهان در میان فلسفه اسلامی مورد توجه تمام فلاسفه بزرگ بعد از ابن سینا مانند شیخ اشراق (در تلویحات)، خواجه طوسی و صدرالمتالهین قرار گرفت به گونه ای که امروزه از آن تقریرهای متعددی وجود دارد و ملا صدرا با توجه تدقیق های خود از این برهان نام تقریر خود را برهان صدیقین نامید.

نتیجه گیری:

۱- قرآن به عنوان تنها معجزه جاوید، ماندگار و مصون از تحریف (با توجه به دلایل سه گانه) که به آسانی در دسترس انسانهاست از نظر جامعیت در ابعاد متفاوت نیاز بشری (دانشی، بینشی، منشی، کنشی و تربیتی) سخن گفته است. برخی از محتوای عمیق مطالب آن در عصر نزول برای همگان معلوم نبود و تنها اوحدی از انسانها محتوای عمیق آن را می فهمیدند. با گذشت زمان و پیشرفت در علوم تنها بخشی از این معارف برای عموم مردم کشف محتوای این معارف با توجه به گذشت قرن‌ها از زمان طرح

آن، حاکی از عظمت و الهی بودن آن می کند .

۲- ویژگی وجدانی و ملموس قرآن عدم کهنگی و نوماندن آن برای قارئین آن است.

Archive of SID

امام صادق به عنوان صادق مصدق موبد دیگری بر این نکته فوق الذکر است .

۳- محتوای قرآن هم برای علم کلام وهم برای فلسفه موضوعات اساسی و جدیدی

را ایجاد کرده است .

۴- در حوزه معرفت شناسی، از نظر قرآن امکان شناخت برای انسان به نحو موجه

جزئیة وجود دارد.

۱- قرآن مجید

۲- جان ناس ، تاریخ جامع ادیان ، ترجمه علی اصغر حکمت، چاپ دوم ، سال ۱۳۴۸ ش.

۳- توفیقی ، حسین ، آشنایی با ادیان بزرگ جهان ، چاپ هفتم، سال ۱۳۸۴ ش.

۴- داوری اردکانی، رضا، فلسفه ی تطبیقی، نشر ساقی، چاپ اول، سال ۱۳۸۳ ش.

۵- پورداد ، ابراهیم ، اوستا ، ص ۴۹ .

۶- طباطبایی ، سید محمد حسین، قرآن در اسلام از دیدگاه تشیع ، انتشارات اسلامی ، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، چاپ هشتم ، سال ۱۳۷۵ ش.

۷- طباطبایی، سید محمد حسین ، المیزان ، ترجمه سید محمد موسوی همدانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، سال ۱۳۷۴ ش.

۸- مصباح یزدی ، محمد تقی ، قرآن شناسی، ج/۱ ، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم ، ۱۳۸۴ ش.

۹- حکیم، سید محمد باقر، علم قرآنی، ترجمه محمد علی لسانی فشارکی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان ، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.

۱۰- جعفری، یعقوب، سیری در علوم قرآن، انتشارات اسوه ، چاپ دوم ، سال ۱۳۷۵ ش.

۱۱- سیوطی ، جلال الدین عبد الرحمن ، الاتقان فی علوم القرآن ج/۱ ، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، چاپ پنجم ، سال ۱۳۸۴ ش.

۱۲- مطهری ، مرتضی ، شناخت در قرآن، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، پائیز ۱۳۶۱ ش.

۱۳- مطهری ، مرتضی ، آشنایی با علوم اسلامی ، کلام - عرفان - حکمت عملی، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۴ ش.

۱۴- هاشمی نژاد، سید عبدالکریم، قرآن و کتاب های دیگر آسمانی، مؤسسه انتشارات

۱۵- موسوی نوری ، سید محمد ، اندیشه هایی استوار در شناخت باورهای اعتقادی ج/۲

، چاپ اول سال ۱۳۸۳ ش.

Archive of SID

۱۶- ربانی گلپایگانی ، علی ، مدخل ودر آمدی بر علم کلام ، چاپ اول، زمستان سال ۱۳۷۲

ش.

۱۷- اکبریان ، رضا ، مناسبات دین و فلسفه در جهان اسلام، چاپ اول، سال ۱۳۸۶ ش.

۱۸- طباطبایی ، سید محمد حسین ، شیعه ، مجموعه مذاکرات با هانری کربن ، چاپ

چهارم ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سال ۱۳۷۱ ش .

۱۹- گنجینه ای از تلمود، تألیف دکتر ابراهام کهن ، ترجمه انگلیسی امیر فریدون

گرگانی، ترجمه و تطبیق با متون عربی ، یهو شوع نتن الی ، انتشارات اساطیر. چاپ اول،

سال ۱۳۸۲ ش.

۲۰- سعیدی مهر ، محمد ، آموزش کلام اسلامی ، انتشارات طه، نوبت دوم ، سال ۱۳۸۱ ش.

۲۱- سبحانی، جعفر، محاضرات فی الالهیات، تلخیص علی ربانی گلپایگانی، الطبع ۱۴۲۷ق.

۲۲- روزنامه همشهری ، تاریخ ۲۲/ ۲/ ۱۳۸۶، ص ۷

۲۳- دشتی، محمد ، ترجمه نهج البلاغه ، بوستان کتاب قم ، ۱۳۸۴ .

۲۴- نرم افزار نور ۲ جامع احادیث

۲۵- کتاب تنخ .

۲۶- کتاب انجیل

۲۷- مجله معارف شماره ۶۲ و ۶۱ گفتگو با موبد زردشتیان تهران در سال ۱۳۸۷ .

۲۸- کاپلستون ، فردریک، تاریخ فلسفه یونان ، ج/ ۱ ترجمه سید جلال الدین مجتوی، چاپ

دوم، سال ۱۳۶۸ .

۲۹- جوادی ، محسن، در آمدی بر خدا شناسی فلسفی، معاونت امور اساتید و داور معارف

اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۵ .